تازه‌های اقتصاد
پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۵۳

هزینه‌ای که از جیب مردم پرداخت می‌شود

آفت خلق پول

در روزهای اخیر گزارش‌های رسانه‌ای در دفاع از افزایش پایه پولی و تأمین مالی اقتصاد از مسیر خلق پول منتشر شده که تلاش می‌کنند کسری بودجه را مسئله‌ای کم‌اهمیت جلوه دهد و چاپ پول را ابزاری برای فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی کشور معرفی کند.

این گزارش‌ها ایده‌های خطرناکی را مطرح می‌کنند؛ «دولت اگر پول خلق کند، از حساب کسی پول برنداشته، فقط یک عدد روی صفحه کلید فشرده است.» این جمله شاید روی کاغذ درست باشد، اما این واقعیت را نادیده می‌گیرد که فشردن کلید خلق پول، معادل است با کاهش قدرت خرید و افزایش فشار معیشتی به مردم.

این روایت اگرچه در ظاهر با هدف حمایت از تولید، اشتغال و بازسازی اقتصادی پس از جنگ مطرح می‌شود، اما از منظر اقتصاد پولی، سیاستگذاری عمومی و تجربه تاریخی ایران و جهان، با ابهامات و کاستی‌های جدی مواجه است.

نخستین مسئله آن است که در اقتصاد ایران، چاپ پول و رشد بی‌ضابطه نقدینگی نه یک تجربه فرضی، بلکه یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تورم مزمن چند دهه اخیر بوده است. برخلاف برخی روایت‌ها که میان کسری بودجه و تورم رابطه‌ای ضعیف یا غیرمستقیم ترسیم می‌کنند، مطالعات گسترده داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد زمانی که کسری‌های مالی دولت از مسیر افزایش پایه پولی یا فشار بر نظام بانکی تأمین شود، نتیجه نهایی در اغلب موارد به رشد نقدینگی، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی منجر خواهد شد.

واقعیت این است که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر هزینه این رویکرد را بارها پرداخت کرده است. رشد مستمر پایه پولی، ناترازی بانک‌ها، استقراض غیرمستقیم دولت و افزایش نقدینگی، در کنار شوک‌های ارزی، زمینه‌ساز تورم‌های سنگینی بوده که بیشترین فشار آن متوجه خانوارهای کم‌درآمد و طبقه متوسط شده است. از این منظر، خلق پول رایگان نیست؛ هزینه دارد و این هزینه در نهایت از جیب مردم پرداخت می‌شود.



یادداشت روز

مهندسی حمایت از اقتصاد و بازگشت به مسیر تولید

■ علی رهبر
رئیس هیات مدیره موسسه بازارپول وارز

در شرایط رکود تورمی ناشی از یک شوک عرضه بزرگ، سیاست‌های سنتی تحریک تقاضا نه تنها مؤثر نیستند، بلکه می‌توانند به عاملی بی‌ثبات‌کننده تبدیل شوند. افزایش مخارج دولتی یا تزریق گسترده نقدینگی در چنین شرایطی، به جای آنکه چرخ‌های تولید را به حرکت درآورد، عمدتاً به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد. دلیل این پدیده را باید در محدودیت سمت عرضه جست‌وجو کرد.

هنگامی که ظرفیت تولید یک اقتصاد در اثر تخریب زیرساخت‌ها، گسست زنجیره‌های تأمین یا کاهش نیروی کار به شدت کاهش یافته باشد، اقتصاد با یک «سقف عرضه سخت» مواجه می‌شود. در این وضعیت، بنگاه‌ها قادر به پاسخگویی به تقاضای اضافی نیستند و هرگونه افزایش در قدرت خرید مردم، به جای افزایش تولید، به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود.

این پدیده در اقتصاد ایران به دلیل هم زمانی چندین شوک، شدت بیشتری پیدا کرده است. تخریب زیرساخت‌های لجستیکی و تولیدی از یک سو و اختلال در شبکه حمل‌ونقل از سوی دیگر، هزینه دسترسی بنگاه‌ها به مواد اولیه را به شدت افزایش داده و به شکل‌گیری تورم فشار هزینه انجامیده است.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

برق خورشیدی خانگی به تابلوی سبز بورس انرژی می‌رسد

لوازم کاهنده مصرف آب برای مشترکان رایگان شد

نیمی از بیت‌کوین‌های جهان وارد محدوده زیان شدند

وزارت دادگستری آمریکا پرونده هالک بانک را مختومه اعلام کرد